

ساکنان شهرک انصار در حاشیه شهر از امکانات محروم اند

زندگی با آب تانکری و نفت کوپنی!



برای گرفتن این خانه هائیت نام کردیم. خیلی ها برای جور کردن همان ۱۰ میلیون تومان پول نقد اولیه، طلای زن و بچه شان را فروختند تا برای همیشه از مستاجری خلاص شوند. اما نه تنها خانه ها با وعده سازنده، هشت ماهه تحویل داده نشد، بلکه وقتی سال ۹۳ بعد از بگیر و ببند فراوان، توانستیم کلید درواچه هایمان را بگیریم، امکانات چندانی نداشت. خودمان اقدام در دنبال سیم کشی و لوله کشی. بعد از اتمام این کارها، برای وصل شدن برق اقدام کردیم. با در اختیار داشتن پایان کار شهرداری برای فاز اول برق کشیدیم و واحدهای بی برق هم پنهانی از همین محل برق گرفتند.

او ادامه می دهد: «برای وصل شدن آب و گاز هم زیاد دوندگی کرده ایم، اما اداره های مربوط می گویند چون زمین در مالکیت آستان قدس بوده و تغییر کاربری داده و به فروش گذاشته شده، باید هزینه انشعابات را که چند میلیارد تومان است، بدهد تا حفاری برای شبکه کشی صورت بگیرد.»

آن طور که این مالک می گوید، این واحدهای ۷۱ و ۶۶ متری آپارتمانی، که تعدادشان ۱۲ بلوک شش تایی در سه طبقه است، با هزینه های بعد از تحویل به همراه ۲۵ میلیون تومان وام، برای هر نفر حدود ۷۰ میلیون تومان درآمده و همه این ها در حالی است که آب و گاز ندارد.

تصویر چهارم کپسول ها در شهرک ماجرا زیاد دارند. جلوی هر خانه، مثل یک نشانه، کمد کپسول خودنمایی می کند. بعضی ها سه تا و تعدادی حتی تا پنج کپسول دارند. گاز کپسول، جایگزین گاز شهری در لوله های اجاق گاز و آبگرمکن است. کپسول هایی که هرکدامشان با آتشپزی سه روزه و یا دوش گرفتن دوروزه ته می کشند.

تصویر پنجم به تمام این ماجراهای عجیب و البته غریب، نبود برق در برخی از واحدها را هم اضافه کنید. برق به ابتکار خوداهالی، و البته پنهانی، از همسایه های دور با کابل به چراغ خانه ها رسیده، تا شب را در تاریکی سر نکنند.

اهالی شهرک انصار، چهار سال است که با این مشکلات دست به گریبان اند. یک روز کوپن نفتشان تمام می شود و در مانده نحوه گرم کردن خانه های سردشان می مانند؛ روز دیگر کپسول پیدانمی شود تا غذایی درست کنند؛ یک بار هم بدون آب تانکر می مانند هزاران مشکل دیگر... و این یعنی زندگی آن ها با چالش همیشگی آب، گاز و برق روبه روست.

۷۰ میلیون تومان پول دادیم، اما امکانات نداریم

ماجرای خانه های بی امکانات شهرک انصار به دهه ۸۰ برمی گردد. محمدرضا سالار، یکی از اولین ساکنان این شهرک، با گریزی به آن روزها این گونه برایشان می گوید: «سال ۸۷ یا ۸۶ بود که با دیدن تبلیغات درباره ساخت و تحویل خانه با مبلغ کمتر از ۴۰ میلیون تومان در شهرک انصار،

چهار دیواری منهای آب، برق و گاز!

تصویر اول پیچ قرمز سر تلمبه را می چرخانند؛ یک دقیقه، دود قهقهه و بالاخره صدای هوایی که داخل لوله پیچیده، شنیده می شود و آخر سر، باریکه ای از نفت به داخل بانک می خورد. رضا، که یک لنگه با ایستاده، پیت نفت را از کنار بشکه کوپنی برمی دارد تا بخاری چکه ای خانه را در طبقه دوم ساختمان روشن کند، و نوبت نفر دوم می رسد و دوباره پیچ تلمبه باز می شود.

تصویر دوم درست بیخ گوش این بشکه های نفت، مجتبی در حال تنظیم اتصال لوله تخلیه آب تانکر به مخزن بزرگ داخل حیاط است، تانکر بزرگی به رنگ سفید و قرمز، که داخلش از آب چاه های عمیق پر شده. هزار لیتری تصفیه نشده است. نوبت آب گیری مجتبی که تمام می شود، پر کردن تانکر دیگر خانه ها شروع می شود. به میانه که می رسد، دیگر خالی شده است و صدای پمپ آب خانه ها تنها صدایی است که به گوش می رسد.

تصویر سوم این یکی ماجرا، از ته جلبک بسته دبه های سفید شروع می شود، دبه هایی که بخشی از لوازم اصلی خانه اهالی است. درواقع این دبه ها برایشان مایه حیات است؛ وقتی تانکرها خالی می شود، همین دبه ها هستند که مردم را از بی آبی نجات می دهند. هر خانواده ۱۵-۲۰ تا دبه دارد که آن را با آب تانکر ماشینی پر می کند، همان آب تصفیه نشده ای که آلوده بودنش از جلبک های ته نشین شده دبه ها پیداست.

فاطمه شوشتری: زندگی با آب تانکری و نفت کوپنی، برای خیلی از افراد، که زندگی در دهه ۶۰ و قبل از آن را تجربه کرده اند، امروز خاطره شده، اما برای حاشیه نشینان مشهدی، تصویر زنده این روز هایشان است؛ مردمی که هنوز هم به سبک سال های جنگ، با دادن برگه های کوپن نفت می گیرند، لوله های بلند بخاری را در خانه هایشان بالا می برند، با استفاده از کپسول گاز یا روی بیک نیک آتشپزی می کنند، آب آشامیدن و شستشوی شان را از تانکرهای پر شده از چاه های عمیق تصفیه نشده اطراف مشهد تأمین می کنند. برق پنهانی از همسایه های دور می گیرند... این زندگی هر روز اهالی شهرک انصار است؛ همان ها که پیچ شیر گاز خانه هایشان هرز شده، از بس آن را چرخانده اند تا ببینند هوایی از آن بیرون می آید یا نه! مردمی که هنوز کوپن برایشان منسوخ نشده، و با آن سوخت می گیرند و گرمایی به خانه هایشان می بخشند، حاشیه نشینی که زندگی شان به آب تانکری گره خورده است و روشنایی خانه شان، به برق گرفتن پنهانی. فاصله چندانی از مرکز شهر ندارند؛ درست در شرق مشهد، سمت چپ قلعه ساختمان، به فاصله ۲۰۰ متر از میدان مهدی آباد، دیوار خانه هایشان بالا رفته است، با تابلوهایی که با مهر شهرداری منطقه ۶ مشهد، نشان از پایان کار ساختمان دارد. تابلوها به عمد روی دیوار میخ شده است تا نشان دهد این مردم، به عنوان شهروندان مشهدی، درست بیخ گوش شهر، از هر امکاناتی محروم اند. ماجرا از این قرار است که چند سال پیش، یکی از بساز و بفروش های مشهدی، زمینی را در حاشیه مشهد، انتهای محله اروند بعد از تغییر کاربری می خرد. مالک با جلب اعتماد چندتن از شهروندان، که فکر خانه دار شدن را با بودجه کم در سر می پروراندند، از هر خانواده ای چند میلیون تومان پول نقد می گیرد و ساخت خانه ها، با وعده تحویل در کمتر از یک سال، شروع می شود. زمان می گذرد و واحدها در مدت تعیین شده تحویل داده نمی شود. بعد از چند سال هم که خانه ها در اختیار مالکان قرار می گیرد، در آن ها از انشعابات گاز و آب خبری نیست و تعدادی از واحدها حتی برق ندارد! حالا چهار سال می شود که بیش از ۷۰ خانوار، که هر کدام دوسه فرزند دارند، در این خانه ها زندگی می کنند، هنوز هم از سویی دستگاه های خدماتی مورد بی لطفی قرار دارند.

خیلی ها برای جور کردن همان ۱۰ میلیون تومان پول نقد اولیه، طلای زن و بچه شان را فروختند تا برای همیشه از مستاجری خلاص شوند. اما نه تنها خانه ها با وعده سازنده، هشت ماهه تحویل داده نشد، بلکه وقتی سال ۹۳ بعد از بگیر و ببند فراوان، توانستیم کلید درواچه هایمان را بگیریم، امکانات چندانی نداشت.

چند برابر قبض آب و گاز مردم، پول کپسول و تانکر می دهیم

این روزها سردی هوا هم در دسر جدیدی برای